

تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین: پیش‌بینی تمایزی مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان

Differential Prediction of Externalizing Behavior Problems of Children Based on Marital Conflicts and Social Emotional Investment of Parents

Abbas Amanelahi, PhD
Shahid Chamran University
of Ahvaz

Mohammad Zarbakhsh
MA in Counseling
Shahid Chamran University
of Ahvaz

محمد زربخش
کارشناسی ارشد مشاوره
دانشگاه شهید چمران اهواز

عباس امان‌الهی*
دانشیار گروه مشاوره
دانشگاه شهید چمران اهواز

Gholamreza Rajabi, PhD
Shahid Chamran University of Ahvaz

غلامرضا رجبی
استاد گروه مشاوره
دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی تمایزی مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان بر اساس تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین کودکان شهر اهواز بود. پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه پژوهش مادران دارای کودک ۶ تا ۱۲ ساله شهر اهواز بود. تعداد ۷۰۲ نفر به روش نمونه‌برداری داوطلبانه به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از سنجش رفتار کودک و بزرگسال (مورین، میلر، اسمیت و جانسون، ۲۰۱۶)، پرسشنامه تعارض زناشویی (ثنائی‌ذاکر، ۱۳۸۷) و سرمایه‌گذاری والدین بر روی کودکان (بردلی و کالدول، ۱۹۹۷) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تمایز استفاده شد. نتایج نشان داد که تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی اجتماعی والدین قادر به پیش‌بینی عضویت گروهی کودکان دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کاهش تعارض‌های زناشویی و افزایش سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین می‌تواند مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: مشکل‌های رفتاری بیرونی، تعارض‌های زناشویی، سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی

Abstract

The aim of this study was to predict externalizing behavior problems of children based on marital conflicts of parents and social emotional investment of parents in children. The conducted study was descriptive and correlation one, and the statistical population included mothers with children aged 6 to 12 years old in Ahvaz city, Iran. Participants included 702 mothers that were selected by voluntarily sampling method. For data collection, Child and Adolescent Behavior Assessment (Morin, Miller, Smith, & Johnson, 2016), Marital Conflict Questionnaire (Sanai Zaker, 2007) and Parental Investment in Children (Bradley & Caldwell, 1995) were used. Differential analysis method was used for data analysis. The results showed marital conflicts of parents and social emotional investment of parents could predict the group membership of children with external behavioral problems and without external behavioral problems. The findings suggested that decreasing marital conflicts and increasing social emotional investment of parents could decrease the externalizing behavior problems of children.

Keywords: external behavioral problems, marital conflicts, socio-emotional investment

received: 26 December 2018

accepted: 09 June 2019

Contact information: a.amanelahi@scu.ac.ir

دریافت: ۹۷/۱۰/۰۵

پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۹

مقدمه

قبال اعضای خود دارند؛ برای مثال والدین وظیفه پرورش^۶، اجتماعی کردن^۷ و محافظت^۸ از کودکان را دارند. ناسازگاری^۹ کودک می‌تواند ناشی از نظام خانواده کودک^{۱۰} باشد که نتوانسته از پس وظایفی مانند پرورش، اجتماعی کردن و محافظت بریاید. تعارض بین زوجین می‌تواند موجب این شود که والدین نتوانند به وظایف خود در قبال کودک رسیدگی کنند. نظریه‌های یادگیری اجتماعی^{۱۱} و نظام خانواده نشان می‌دهند که تعارض در یک خرده‌نظام^{۱۲} خانواده می‌تواند به دیگر خرده‌نظام‌ها نیز سرایت کند (کاکس و پالی، ۲۰۰۳). تعارض زناشویی والدین^{۱۳} یکی از مشکل‌هایی است که تقریباً همه کودکان با آن مواجه می‌شوند و گاه کودکان، خود را به عنوان عامل این تعارض‌های والدین می‌دانند (فیلد، مک‌کابی، اشنایدرمن و فیلد، ۲۰۱۳). شواهد پژوهشی در مورد تعارض‌ها نشان‌دهنده این است که بروز اختلال‌های روانی مختلف، مشکل‌های رفتاری فرزندان و حتی مشکل‌های جسمانی زوجها می‌تواند از پیامدهای تعارض‌های زناشویی باشد (ناصرحی، رئیس، جعفری و رحمانی، ۲۰۰۵). اثرات تعارض زناشویی بر بیشتر حوزه‌ها از جمله عملکرد شناختی، اجتماعی، تحصیلی و روان‌شناختی کودک (برای مثال، ایس و گاربر، ۲۰۰۰) و رابطه با همسالان و همچنین بر عملکرد خانواده از قبیل فرزندپروری (برای مثال، کاکس، پالی و هارتر، ۲۰۰۱) مورد توجه قرار گرفته است. از جمله پیامدهای دیگر تعارض زناشویی، منابع زناشویی^{۱۴} کمتر، کاهش حمایت عاطفی و ملموس والدین و کاهش گذراندن وقت با یکی از والدین یا هر دو والد برای کودک است (کلی، ۲۰۱۲). برخی پژوهش‌ها ارتباط تعارض زناشویی با مشکل‌های رفتاری کودکان را نشان داده‌اند. به طور مثال لواف، شکری و قنبری (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که تعارض زناشویی، رابطه مدل‌های ارتباطی و مشکل‌های رفتاری را واسطه‌گری و مشکل‌های رفتاری را پیش‌بینی می‌کند. همچنین مادیگان، پلاموندون و جنکینز (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که تعارض زناشویی با اختلال‌های رفتاری مرتبط است. آنها به روش مدل‌سازی ترکیبی

شیوع مشکل‌های رفتاری در کودکان، هر لحظه در حال افزایش است و این مشکل‌ها خطر آسیب به سلامت جامعه را افزایش می‌دهد و می‌تواند باعث بزهکاری و رفتارهای مجرمانه در بزرگسالی شود (تیجس، فان دیک، استوف و نوتن، ۲۰۱۵). مشخصه‌های اصلی مشکل‌های رفتاری^۱ این است که اولاً آن رفتار جنبه افراطی داشته باشد، ثانیاً با انتظارات فرهنگی یا اجتماعی ناهماهنگ باشد و ثالثاً نمایانگر مسئله‌ای باشد که جنبه مزمن داشته باشد (لایست، سیراس، منساه و هیسکاک، ۲۰۱۵). مشکل‌های رفتاری بیرونی^۲ شامل پرخاشگری و رفتارهای بزهکارانه (برای مثال نافرمانی) است (کارمان، دهاس، ون‌تویچی، ون‌آکن و دکوویچ، ۲۰۱۰). رفتار قانون‌شکنی به‌وسیله پرسش‌هایی از قبیل تکرار دروغ‌گویی و تقلب، فرار کردن، فحش دادن، مدرسه‌گریزی و درگیر شدن در مواد الکلی و داروها اندازه‌گیری می‌شود. پرخاشگری از طریق پرسش‌هایی درباره بحث کردن، میانه‌رو نبودن با دیگران، ویرانگر بودن، خلق‌وخوی بد داشتن و مبارزه کردن ارزیابی می‌شود (فرانکلین، مور و هاپسون، ۲۰۰۸). مشکل‌های رفتاری تأثیر بلندمدت بر سلامت روان افراد می‌گذارد (انگلاند^۳ و زبین‌برونر^۴، ۲۰۱۲ نقل از میرزایی، هاشمی‌گشنیگانی، پاکدامن و حجازی‌موغاری، ۱۳۹۶). بنابراین بررسی این موضوع در کودکان حائز اهمیت است. از مهم‌ترین عوامل در علت‌شناسی این مشکل‌ها، متغیرهای خانوادگی هستند (مونیر و راسکام، ۲۰۰۹). اولین جایی که فرزند آدمی بسیاری از رگه‌های شخصیتی، مهارت‌ها، ویژگی‌ها و توانایی‌ها را یاد می‌گیرد خانواده است (سان^۵ و دیگران، ۲۰۱۲ نقل از فاتحی‌دهاقانی و یوسفی، ۱۳۹۶). پدر و مادر دو رکن اساسی خانواده هستند که با به وجود آوردن محیطی امن و سالم، تحول روانی فرزندان خود را میسر می‌سازند و در اجتماعی کردن آنها نقش بسیار زیادی دارند (ایتل، ۲۰۰۶)، اما زمانی که بین دو والد تعارضی ایجاد می‌شود، موجب تضعیف کارکرد خانواده می‌شود (لی، ژو و هو، ۲۰۱۵). خانواده‌ها یکسری وظایف مهم در

1. behavioral problems

2. externalizing behavior problems

3. England, M. M.

4. Siebenbruner, J.

5. Sun, S. X.

6. nurturance

7. socialization

8. protection

9. maladjustment

10. children's family system

11. social learning theories

12. subsystem

13. marital conflict

14. marital resources

رشد، زوجین را از دو ماهگی فرزند تا ۵۴ ماهگی او، به سه گروه با افزایش میزان تعارض شدید، با کاهش میزان تعارض شدید و گروه نسبتاً باثبات تقسیم‌بندی کردند و با مقایسه مشکل‌های رفتاری کودکان در بین این سه گروه به این نتیجه رسیدند که کودکانی که در گروه زوجین با افزایش تعارض شدید قرار دارند، به مراتب بیشتر از کودکانی که در گروه‌های زوجین با کاهش تعارض شدید و نسبتاً باثبات قرار دارند، احتمال ابتلا به مشکل‌های رفتاری دارند. ژو، کائو و لیرکس (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی نشان دادند که تعارض زناشویی والدین موجب مشکل‌های رفتاری کودکان خواهد شد. همچنین در این پژوهش مشخص شد که حساسیت و پاسخگویی مادران نسبت به پریشانی‌ها و نیازهای فرزندان نقش تعدیل‌گری در ارتباط بین تعارض بین والدینی و مشکل‌های رفتاری دارد. همچنین در پژوهشی که ون‌الدیک، پرینزای، دکوویچ و دِهان (۲۰۱۷) در طول هشت سال بر روی ۳۶۹ خانواده انجام دادند، نشان داده شد که پریشانی زناشویی با مشکل‌های رفتاری بیرونی به صورت مثبت در ارتباط است. علاوه بر این استیل و دیگران (۲۰۱۶) نیز بر تأثیر عوامل ضمنی مانند فقر و تعارض زناشویی بر مشکل‌های رفتاری تأکید کرده‌اند.

از دیگر متغیرهای خانوادگی که می‌تواند بر مشکل‌های رفتاری تأثیرگذار باشد، سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین^۲ بر روی کودکان است. باورها و نگرش‌های والدین درباره کودکان نشان موضوعی است که از دیرباز مورد علاقه نظریه‌پردازان و پژوهشگران تحولی، به خصوص کسانی که تحول اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان را در اوایل دوران کودکی منعکس می‌کنند، بوده است (کادری، ۲۰۰۷). علاقه گسترده در مورد ادراکات و عواطف والدین مبتنی بر این فرض است که حالات ذهنی درونی^۳ والدین اثر قابل توجهی بر رفتار والدین دارد و متعاقباً رفتار والدین نیز بر پیامدهای تحولی کودکان اثر دارد (کوروین و برادلی، ۲۰۰۲). مطابق نظر مک‌کابی (۲۰۰۲) مهم‌ترین هدف فرزندپروری والدین در تمامی دوران این بوده است که کودکان را قادر سازند در آینده بزرگسالان شایسته‌ای

شوند که بتوانند به خوبی در جامعه ایفای نقش کنند. مطابق با پژوهش گرینبرگ^۴ و گلدبرگ^۵ (۱۹۸۹) نقل از کوروین و برادلی، (۲۰۰۲) سرمایه‌گذاری والدین با میزانی که آنها خود را به نقش والدگری^۶ و پرورش مطلوب کودک^۷ متعهد می‌دانند، همبستگی دارد. سرمایه‌گذاری، هم مستلزم یک والدگری حساس و تسهیلگر رشد^۸ و هم مستلزم هویت نقشی والدینی^۹ است که آن را به عنوان معنایی که والدین با توجه به یک موقعیت خاص و مرتبط با وظایف والدینی به خود می‌دهند تعریف کرده‌اند (کوروین و برادلی، ۲۰۰۲). والدینی که سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی بالایی در کودک دارند مراقبت‌های حمایتی بیشتری برای کودک خود فراهم می‌کنند (گامیرو و دیگران، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که درجه‌ای از سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین باید در مقدار شادی و لذت تجارب والدین با کودک، بیان احساسات و عواطف نسبت به کودک، حساسیت به نیازهای کودک، پذیرش کودک و نقش والدگری و انتخاب مداوم رفتارهای والدگری متناسب با علاقه‌مندی‌های کودک، آشکار شود (هرتویگ، دیویس و سولووی، ۲۰۰۲). این جنبه‌ها احتمالاً برای شکل دادن به چگونگی احساس شایستگی والدین نسبت به نقش سرپرستی خود، نسبت به فرایند مراقبت از خود و در نهایت نسبت به پیامدهای تحولی کودکان هستند (وایتساید-مانسل، بردلی و راکو، ۲۰۰۱). برای رابطه سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین بر روی مشکل‌های رفتاری کودکان پژوهش مستقیمی انجام نشده است اما ژو و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که حساسیت و پاسخگویی مادران نسبت به نیازهای فرزندان که نوعی از سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین است با مشکل‌های رفتاری مرتبط است.

1. growth mixture modeling

2. parents' socioemotional investment

3. internal mental states

4. Greenberger, E.

5. Goldberg, W. A.

6. role as parents

7. fostering optimal child

8. sensitive, growth-facilitating parenting

9. parent-role identity

کودکان ۶ تا ۱۲ سال بودند که به روش نمونه‌برداری داوطلبانه انتخاب شدند. این افراد پس از پاسخگویی به ابزارهای پژوهش بر اساس نمره برش ابزار سنجش رفتار کودک و بزرگسال^۹، در دو گروه با مشکل‌های رفتاری بیرونی (۳۵۱ نفر) و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی (۳۵۱ نفر) قرار گرفتند. شرط ورود در این پژوهش، داشتن یک فرزند در گستره سنی ۶ تا ۱۲ سال بود. در گروه کودکان دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی میانگین و انحراف استاندارد سن والدین ۳۸/۹۰ و ۹/۴۵ و میانگین و انحراف استاندارد سن فرزندان ۹/۳۸ و ۲/۳۱ به دست آمد. در گروه کودکان بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی میانگین و انحراف استاندارد سن والدین ۳۴/۸۸ و ۱۰/۱۱ و میانگین و انحراف استاندارد سن فرزندان ۹/۶۱ و ۲/۶۳ به دست آمد.

سنجش رفتار کودک و بزرگسال (مورین و دیگران، ۲۰۱۶). این ابزار یک ابزار ۳۰ ماده‌ای است که در مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت از مشکلی ندارد (نمره صفر) تا مشکل بسیار زیادی دارد (نمره ۶) نمره‌گذاری می‌شود و شامل زیرمقیاس‌های مشکل‌های درونی (۱۳ ماده)، مشکل‌های بیرونی (۱۴ ماده) و رفتار پرخطر (۳ ماده) است. نمرات کلی هر زیرمقیاس به وسیله جمع نمرات به دست آمده هر زیرمقیاس تقسیم بر تعداد ماده‌های آن زیرمقیاس به دست می‌آید. در زیرمقیاس مشکل‌های رفتاری بیرونی نمره صفر تا ۱/۲۹ نشانگر نبود مشکل‌های رفتاری بیرونی، نمره ۱/۳۰ تا ۲/۰۹ نشانگر مشکل‌های رفتاری بیرونی خفیف و نمره ۲/۰۹ به بالا نشانگر مشکل‌های رفتاری بیرونی شدید است. مورین و دیگران (۲۰۱۶) در تحلیل عاملی اکتشافی که بر روی این ابزار انجام دادند، سه عامل مشکل‌های رفتاری درونی (۱۳ ماده) با بارهای عاملی ۰/۴۸ تا ۰/۸۱، مشکل‌های رفتاری بیرونی (۱۴ ماده) با بارهای عاملی ۰/۴۰ تا ۰/۸۷ و رفتارهای پرخطر (۳ ماده) با بارهای عاملی ۰/۳۴ تا ۰/۹۲ را به دست آوردند و تحلیل از برازش مناسبی نیز برخوردار بود. همچنین مورین و دیگران (۲۰۱۶) اعتبار این ابزار را به روش آلفای کرونباخ در زیرمقیاس مشکل‌های درونی ۰/۹۱، در زیرمقیاس مشکل‌های بیرونی ۰/۸۷ و در زیرمقیاس رفتار پرخطر ۰/۶۴ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز

می‌دهد و می‌تواند باعث بزهکاری و رفتارهای مجرمانه در بزرگسالی شود (تیجس و دیگران، ۲۰۱۵). به وجود آمدن این مسئله، به دلیل نیاز بیشتر به مراقبت‌های بهداشتی و بالاتر رفتن آمار جرم و جنایت، هزینه‌های زیادی را برای جامعه به وجود می‌آورد (هاوکنز^۱، کاتالانو^۲ و میلر^۳، ۱۹۹۲ نقل از تیجس و دیگران، ۲۰۱۵). بنابراین بررسی مشکل‌های رفتاری کودکان به خصوص مشکل‌های رفتاری بیرونی بسیار حائز اهمیت است. یکی از راه‌هایی که می‌توان به وسیله آن مشکل‌های رفتاری را مورد هدف قرار داد، کار بر روی پیش‌آیندها و پس‌آیندهای مشکل‌های رفتاری است (مک‌گیل^۴، فیر^۵، رای^۶ و هاگز^۷، ۲۰۰۵ نقل از سیمائو-پناتلا و دیگران، ۲۰۱۳). با توجه به مطالب بیان شده هدف این پژوهش یافتن پیش‌آیندهای افتراقی مناسب برای مشکل‌های رفتاری بیرونی است تا بتوان با کشف و رسیدگی مناسب به آنها از مشکل‌های رفتاری بیرونی و هزینه‌های زیاد متعاقب آن جلوگیری کرد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، این پژوهش به دنبال بررسی فرضیه‌های زیر است:

ترکیب خطی متغیرهای تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین دو دسته کودکان با مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی را از یکدیگر متمایز می‌کند.

تعارض‌های زناشویی عضویت گروهی مشکل‌های رفتاری بیرونی را پیش‌بینی می‌کند.

سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین عضویت گروهی مشکل‌های رفتاری بیرونی را پیش‌بینی می‌کند.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی بود و با هدف پیش‌بینی عضویت گروهی کودکان با مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی و دستیابی به معادله ممیز^۸ طراحی شد. جامعه آماری این پژوهش، کودکان ۶ تا ۱۲ شهر اهواز در سال ۱۳۹۶ بودند. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل مادران

1. Hawkins, J. D.
2. Catalano, R. F.
3. Miller, J. Y.

4. McGill, P.
5. Teer, K.
6. Rye, L.

7. Hughes, D.
8. discriminant equation
9. Child and Adolescent Behavior Assessment (CABA)

سرمایه‌گذاری والدین روی کودکان^۳ (بردلی و کالدول، ۱۹۹۵). این ابزار یک ابزار ۲۴ ماده‌ای است که برای ارزیابی سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین روی کودکان ساخته شد و بر مبنای لیکرت چهار درجه‌ای از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شود. پایین‌ترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند از این ابزار به دست آورد ۲۴ است که به معنی میزان سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی کم والد روی کودک است و بالاترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند از این ابزار به دست آورد ۹۴ است که به معنی میزان سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی زیاد والد روی کودک است. این ابزار شامل ابعاد پذیرش نقش فرزندپروری (هفت ماده)، محبت (هفت ماده)، دانش/حساسیت (پنج ماده) و اضطراب جدایی (چهار ماده) است. روایی این ابزار در پژوهش بردلی و کالدول (۱۹۹۵) مناسب گزارش شد. همچنین بردلی و کالدول (۱۹۹۵) اعتبار این ابزار را به روش آلفای کرونباخ در ابعاد پذیرش نقش فرزندپروری ۰/۷۲، محبت ۰/۷۱، دانش/حساسیت ۰/۷۰ و اضطراب جدایی ۰/۷۵ و نمره کل آن را ۰/۷۳ گزارش کردند. در ایران نیز این ابزار توسط امان‌اللهی و دیگران (۱۳۹۶) هنجاریابی شده است. به این صورت که ابتدا از روش ترجمه برگردان (بریسلین، ۱۹۸۶) برای ترجمه این ابزار استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا این ابزار توسط پژوهشگران به فارسی ترجمه شد. سپس ابزار به یک متخصص زبان انگلیسی و یک متخصص روان‌شناسی با آشنایی کامل به زبان انگلیسی ارائه شد و اصلاحاتی در ترجمه صورت گرفت. در نهایت، نسخه اصلاح‌شده جهت انجام فرایند هنجاریابی بر روی ۲۰۰ شرکت‌کننده اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی بیانگر این موضوع بود که کل ماده‌های این ابزار به طور معناداری روی عامل مربوط به خود بار گذاشته‌اند و مدل تاییدی نیز از برازش مناسبی برخوردار بود. همچنین اعتبار این ابزار به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد. برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از تحلیل ممیز به روش گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بین

این ابزار توسط امان‌اللهی، زربخش و رجیبی (۱۳۹۶) هنجاریابی شده است. به این صورت که ابتدا از روش ترجمه برگردان^۱ (بریسلین، ۱۹۸۶) برای ترجمه این ابزار استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا این ابزار توسط پژوهشگران به فارسی ترجمه شد. سپس به یک متخصص زبان انگلیسی و یک متخصص روان‌شناسی با آشنایی کامل به زبان انگلیسی ارائه شد و اصلاحاتی در ترجمه صورت گرفت. در نهایت، نسخه اصلاح‌شده برای انجام فرایند هنجاریابی بر روی ۲۰۰ شرکت‌کننده اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی بیانگر این موضوع بود که کل ماده‌های ابزار مشکل‌های رفتاری به طور معناداری روی عامل مربوط به خود بار گذاشته‌اند و مدل تاییدی نیز از برازش مناسبی برخوردار بود. همچنین اعتبار این ابزار به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر در زیرمقیاس‌های مشکل‌های درونی و در مشکل‌های بیرونی به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ به دست آمد.

پرسشنامه تعارض زناشویی^۲ (ثنایی‌ذاکر، ۱۳۸۷).

پرسشنامه ۵۴ ماده‌ای تعارض زناشویی برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری طراحی شد و بر مبنای لیکرت پنج‌درجه‌ای از هرگز (نمره ۱) تا همیشه (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. پایین‌ترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند از این پرسشنامه به دست آورد ۵۴ است که به معنی میزان تعارض زناشویی پایین فرد با همسر خود است و بالاترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند از این پرسشنامه به دست آورد ۲۷۰ است که به معنی میزان تعارض زناشویی بالای فرد با همسر خود است. این پرسشنامه هشت بعد از تعارض زناشویی را می‌سنجد که شامل کاهش همکاری (پنج ماده)، کاهش رابطه جنسی (شش ماده)، افزایش واکنش‌های هیجانی (هشت ماده)، افزایش جلب حمایت فرزندان (پنج ماده)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (شش ماده)، کاهش رابطه خانوادگی با خانواده همسر و دوستان (شش ماده)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر (هفت ماده) و کاهش ارتباط مؤثر (۱۲ ماده) است. ضریب آلفای کرونباخ توسط ثنایی‌ذاکر (۱۳۸۷) برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ گزارش شده است. ثنایی‌ذاکر (۱۳۸۷) روایی پرسشنامه را در حد قابل قبول ذکر کرده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

گام‌به‌گام همراه با لامبدای ویکلز دو متغیر پیش‌بین سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی و تعارض‌های زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۲

خلاصه یافته‌های تحلیل ممیز به روش گام‌به‌گام همراه با لامبدای ویکلز دو متغیر

پیش‌بین

مرحله	متغیرهای واردشده	لامبدای ویکلز	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۳	F دقیق		
						آماره	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی	۰/۷۰*	۱	۱	۷۰۰	۳۰۰/۵۴*	۱	۷۰۰
۲	تعارض‌های زناشویی	۰/۶۱*	۲	۱	۷۰۰	۲۱۵/۵۷*	۲	۶۹۹

*P < ۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود به ترتیب قدرت تمییز، متغیرهای سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین و تعارض‌های زناشویی به خوبی توانایی پیش‌بینی و تمییز عضویت گروهی مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان را دارا هستند و آماره F برای هر دو متغیر سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی و تعارض‌های زناشویی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. برای دستیابی به تابعی که به بهترین نحو بتواند دو گروه افراد دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی را از هم تفکیک کند از روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی گروه‌های افراد دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی، بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی و کل افراد را نشان می‌دهد.

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بین برای افراد دارای مشکل‌های رفتاری

بیرونی، بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی و کل

متغیرهای پیش‌بین	گروه دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی		گروه بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی		کل
	SD	M	SD	M	
تعارض‌های زناشویی	۱۹۱/۹۴	۲۲/۱۷	۱۶۷/۷۰	۱۸/۰۶	۱۷۹/۸۲
سرمایه‌گذاری عاطفی اجتماعی	۶۸/۶۹	۶/۶۶	۷۵/۷۴	۵/۹۱	۷۲/۲۱

به جهت بررسی پیش‌فرض نرمال بودن متغیرها از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد. قدرمطلق ضریب کجی بزرگ‌تر از ۳، تخطی نرمال بودن داده‌ها را نشان می‌دهد. قدرمطلق ضریب کشیدگی بزرگ‌تر از ۱۰ در تحلیل داده‌ها مسئله‌ساز است و قدرمطلق ضریب کشیدگی بزرگ‌تر از ۲۰ مشکل جدی ایجاد می‌کند (کلاین^۱، ۲۰۱۰ نقل از مروتی، ۱۳۹۰). با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدرمطلق ضریب کجی کوچک‌تر از ۳ و قدرمطلق ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۱۰ هستند و از این رو تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نیست.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل ممیز به روش گام‌به‌گام استفاده شد. جدول ۲ خلاصه یافته‌های تحلیل ممیز به روش

جدول ۳

خلاصه یافته‌های تابع ممیز متعارف به روش گام‌به‌گام

شاخص‌ها	تعداد تابع	مقدار ارزش ویژه	درصد واریانس	همبستگی زیربنایی	مجدور آتا	لامبدای ویکلز	مجدور کای	درجه آزادی	معناداری تابع ممیز	مرکزواره داده‌ها	
										دارای مشکلات بدون مشکلات رفتاری بیرونی	دارای مشکلات رفتاری بیرونی
مقادیر	۱	۰/۶۱	۱۰۰	۰/۶۱	۰/۳۷	۰/۶۱*	۳۳۵/۸۳*	۲	۰/۰۰۱	۰/۷۸۴	-۰/۷۸۴

*P < ۰/۰۰۱

و بدون مشکل رفتاری بیرونی دارد و این ارتباط به شیوه منفی است. همچنین مقدار ضریب استاندارد تعارض‌های زناشویی ۰/۵۷ به دست آمد و این ارتباط به صورت مثبت است.

جدول ۵ پیش‌بینی احتمال عضویت گروهی و نمره‌های ممیز برای سه کودک دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و سه کودک بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی را به عنوان نمونه‌ای از کل اعضای حاضر در پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۵

پیش‌بینی احتمال عضویت گروهی و نمره‌های ممیز برای سه کودک دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و سه کودک بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی

نمره ممیز	احتمال تعلق به احتمال تعلق به			ردیف گروه واقعی
	گروه بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی	گروه دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی	گروه پیش‌بینی شده	
۱/۸۳	۰/۰۵	۰/۹۵	دارای مشکل رفتاری بیرونی	۳۸۵
۱/۳۴	۰/۱۰	۰/۹۰	دارای مشکل رفتاری بیرونی	۴۲۶
۰/۰۹	۰/۵۴	۰/۴۶	بدون مشکل رفتاری بیرونی	۵۲۱
۰/۸۹	۰/۸۰	۰/۲۰	بدون مشکل رفتاری بیرونی	۲۳
۱/۷۹	۰/۹۵	۰/۰۲	بدون مشکل رفتاری بیرونی	۹۷
-۰/۴۳	۰/۳۳	۰/۶۶	بدون مشکل رفتاری بیرونی	۲۴۱

همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد از بین سه کودک دارای مشکل رفتاری بیرونی مورد ۳۸۵ و ۴۲۶ گروه واقعی و پیش‌بینی شده آنها یکسان است، اما گروه واقعی و پیش‌بینی شده مورد ۵۲۱ یکسان نیست. از بین سه کودک بدون مشکل رفتاری بیرونی مورد ۲۳ و ۹۷، گروه واقعی و پیش‌بینی شده آنها یکسان است اما گروه واقعی و پیش‌بینی شده مورد ۲۴۱ یکسان نیست. جدول ۶ آزمون برابری میانگین گروه افراد دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و افراد بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار لامبدای کوچک و مجذور کای بالا و معنادار، تابع ممیز به دست آمده از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی گروه دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی برخوردار است. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

در تحلیل ممیز تعدادی متغیر به عنوان متغیر پیش‌بین قرار می‌گیرند که البته تمام این متغیرها از ارزش یکسانی در پیش‌بینی عضویت گروهی داده‌ها برخوردار نیستند. برای تشخیص میزان ارزش هر متغیر، دو دسته ضرایب استاندارد و ساختاری برای هر متغیر محاسبه و استفاده می‌شوند. همچنین برای تشکیل دادن تابع مورد نظر به ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت نیاز خواهد بود. برای تشکیل دو تابع به منظور محاسبه احتمال تعلق هر مورد به هر کدام از گروه‌ها نیز نیاز به محاسبه ضرایب طبقه‌بندی است. مجموعه این ضرایب در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴

ضرایب غیراستاندارد، ضرایب استاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی به روش همزمان

متغیرهای پیش‌بین	ضریب طبقه‌بندی			
	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد ساختاری	دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی	بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی
تعارض‌های زناشویی	۰/۵۷	۰/۰۲	۰/۷۶	۰/۶۸
سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین	-۰/۶۷	-۰/۱۱	-۰/۸۳	۱/۱۸

جدول ۴ ضریب استاندارد، غیراستاندارد، ساختاری و طبقه‌بندی متغیرها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۴ مشخص شده است، با توجه به ضرایب استاندارد، سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین با مقدار ضریب استاندارد ۰/۶۷-، قدرت بیشتری در تمیز گروه‌های کودکان دارای مشکل رفتاری بیرونی

جدول ۶

آزمون برابری میانگین گروه افراد دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و افراد بدون

مشکل‌های رفتاری بیرونی

مقیاس‌ها	لامبدای ویلکز	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
تعارض‌های زناشویی	۰/۷۳	۲۵۱/۲۷*	۱	۷۰۰
سرمایه‌گذاری عاطفی اجتماعی	۰/۷۰	۳۰۰/۵۴*	۱	۷۰۰

*P < ۰/۰۰۱

لامبدای کوچک و مقدار F بزرگ و سطح معناداری مربوطه مشخص می‌سازد که تفاوت بین دو گروه کودکان دارای مشکل‌های رفتاری بیرونی و کودکان بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی در متغیرهای تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. بنابراین فرضیه‌های دوم و سوم تأیید می‌شوند.

جدول ۷ نتایج آزمون‌های تحلیل ممیز برای هر متغیر پیش‌بین را به تفکیک نشان می‌دهد.

با توجه به جدول ۶ در آزمون برابری میانگین‌ها، ضریب

جدول ۷

نتایج آزمون‌های تحلیل ممیز تفکیکی

تعداد تابع	مقدار ارزش ویژه	درصد واریانس	همبستگی زیربنایی	لامبدای ویلکز	محدود کای	درجه آزادی	معناداری تابع ممیز	ضریب غیر استاندارد	عدد ثابت	ضریب کایا	معناداری ضریب کایا	مرکزواره داده‌ها
												دارای مشکل‌های بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی
۱	۰/۳۶	۱۰۰	۰/۵۱	۰/۷۳*	۲۱۵/۱۵*	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴	-۱/۸۹	۰/۷۳*	۰/۰۰۱	-۰/۵۹۹
۱	۰/۳۱	۱۰۰	۰/۴۸	۰/۷۶*	۱۷۴/۰۳*	۱	۰/۰۰۱	۰/۱۵	-۱۱/۴۵	۰/۶۶*	۰/۰۰۱	-۰/۵۹۹

*P < ۰/۰۰۱

استفاده شد. نتایج آزمون برابری میانگین و تحلیل ممیز تفکیکی مربوط به تعارض زناشویی نشان داد که این متغیر می‌تواند به صورت معناداری عضویت گروهی متغیر مشکل‌های رفتاری بیرونی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین فرضیه مربوط به تعارض‌های زناشویی تأیید شد. پیشینه پژوهش مستقیمی برای این یافته پیدا نشد اما پژوهش‌هایی مانند لوف و دیگران (۱۳۹۳)، مادیگان و دیگران (۲۰۱۷)، ژو و دیگران (۲۰۱۷) و ون‌الدیک و دیگران (۲۰۱۷) به شکلی ارتباط تعارض‌های زناشویی با مشکل‌های رفتاری را نشان داده‌اند. این پژوهشگران در مطالعات خود نشان دادند که شیوه‌های ارتباطی زوجین با یکدیگر با مشکل‌های رفتاری درونی و بیرونی فرزندان مرتبط است. زمانی که تعارض مهارنشده وارد ارتباط زناشویی می‌شود، می‌تواند مشکل‌های رفتاری فرزندان را در پی داشته باشد. همچنین این پژوهشگران با بررسی این مسئله به صورت طولی در یک دوره ۵۲ ماهه، بر نقش مهم تعارض‌های زناشویی شدید زوجین در مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان صحنه گذاشتند،

با توجه به آنچه در جدول ۷ آمده است مشخص است که با توجه به لامبدای کوچک و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ توابع تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین معنادار هستند و این توابع به صورت جداگانه نیز از قدرت تشخیص و تفکیک برای تبیین متغیر وابسته یعنی عضویت گروهی در دو سطح افراد کودکان دارای مشکل‌های رفتاری و کودکان بدون مشکل‌های رفتاری برخوردار هستند. توجه به نتایج آزمون برابری میانگین‌ها و نتایج آزمون تحلیل ممیز تفکیکی نشان می‌دهد هر دو آزمون یکسان است.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی فرضیه‌ای مبنی بر این است که ترکیب خطی متغیرهای تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین دو دسته کودکان با مشکل‌های رفتاری بیرونی و بدون مشکل‌های رفتاری بیرونی را از یکدیگر متمایز می‌کند که برای بررسی آن از تحلیل ممیز

نسبت به نیازهای کودکان، به صورت منفی با مشکل‌های رفتاری مرتبط است. در تبیین این نتیجه باید گفت که آنچه بزرگسالان در نقش خود به عنوان پدر و مادر انجام داده‌اند، در طول قرن‌ها تغییر کرده است؛ یک سازگاری تکنولوژیکی اجتماعی و اقتصادی. با این حال هدف والدین، اساساً یکسان باقی مانده است و آن هدف چیزی نیست جز اینکه کودکان را قادر سازند در آینده بزرگسالان شایسته‌ای شوند که به خوبی توانایی فعالیت در جامعه را دارند (مک‌کابی، ۲۰۰۲). در هر جایی یا در هر دوران، دستیابی به این هدف کار آسانی نبوده است. هدف و نسخه عمومی، نیازمند انواع اقدامات والدگری خاص است که طی یک دوره طولانی مدت انجام می‌شود، اقداماتی که متناسب با نیازهای یک کودک خاص باشد و در محدوده مرزهای منابع و محدودیت‌ها اجرا شود (کادری، ۲۰۰۷). مطابق با پژوهش گرینبرگ و گلدبرگ (۱۹۸۹) نقل از کوروین و برادلی، (۲۰۰۲)، سرمایه‌گذاری والدین به مقدار درجه‌ای که بزرگسالان خود را به نقش والدگری و پرورش مطلوب کودک خود متعهد می‌دانند، ارتباط دارد (کوروین و برادلی، ۲۰۰۲). سرمایه‌گذاری والدین در کودکان، ناشی از تمایل به محافظت و تقویت پیوند با فرزند و شکل‌گیری هویت موفق والدین است. سرمایه‌گذاری والدین در کودک باید در رفتار والدین نسبت به کودک منعکس شود؛ والدینی که سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی بالایی در کودک دارند باید انگیزه و مراقبت‌های حمایتی بیشتری برای او فراهم کنند و بیشتر درگیر کودک شوند (گامیرو و دیگران، ۲۰۱۱). پژوهشگرانی مانند هرتویگ و دیگران (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که افراد با سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی بالا لذت بیشتری از همراهی با کودک می‌برند، احساسات و عواطف خود نسبت به کودک را به خوبی ابراز می‌کنند، نقش والدگری خود را پذیرفته‌اند و نسبت به انجام وظایف آن حساس و مسئولیت‌پذیر هستند. برادلی^۱ (۱۹۹۸) نقل از گامیرو و دیگران، (۲۰۱۱) بیان کردند که کیفیت سرمایه‌گذاری والدین در فرزندشان باید در پذیرش کودک و نقش والدین آشکار شود که به معنی انتخاب‌های مداوم رفتارهای والدگری متناسب با علاقه‌مندی‌های کودک، مقدار شادی و لذت در تجارب والدین

به شکلی که در پایان این دوره ۵۲ ماهه، کودکانی که والدین آنها دچار یک تعارض زناشویی فزاینده بودند، احتمال بالایی داشت که در گروه افراد دارای مشکل‌های رفتاری قرار بگیرند. البته در این پژوهش‌ها نشان داده شد که عواملی مانند حساسیت مادران نسبت به پریشانی فرزندان، تا حدی می‌تواند این رابطه تعارض‌های زناشویی با مشکل‌های رفتاری را تعدیل کند. اثرات تعارض زناشویی بر عملکرد شناختی، اجتماعی، تحصیلی و روان‌شناختی کودک (برای مثال، ایس و گاربر، ۲۰۰۰) و رابطه با همسالان و همچنین بر عملکرد خانواده از قبیل فرزندپروری (برای مثال، کاکس و دیگران، ۲۰۰۱) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که خانواده بافت اصلی در تحول کودک است و اثرات مهمی در طول سال‌های اولیه زندگی بر تحول عاطفی و اجتماعی کودکان می‌گذارد. خانواده از طریق عوامل دیگر (شامل فقر، اختلافات زناشویی) و عوامل مبدأ (شامل موارد مربوط به والدگری و فشارهای والدینی) رابطه متقابل بین والدین و کودک را تسهیل کرده یا مانعی برای تحول کودکان ایجاد می‌کند. استیل و دیگران (۲۰۱۶) نشان دادند که عوامل ضمنی مانند فقر و تعارض‌های زناشویی، ناراحتی‌های روانی والدین را افزایش می‌دهد و توانایی والدین را برای مراقبت حساس، محدود می‌کند و در نتیجه به مشکل‌های هیجانی و اجتماعی در کودکان منجر می‌شود. همچنین پژوهش‌ها بیانگر این است که تعارض‌های زناشویی با انتخاب شیوه‌های فرزندپروری نامناسب که می‌تواند موجب مشکل‌های رفتاری شود نیز رابطه دارد (کاکس و دیگران، ۲۰۰۱). با توجه به موضوعات مطرح شده می‌توان بیان کرد که تعارض‌های زناشویی، قادر به پیش‌بینی مشکل‌های رفتاری بیرونی است.

همچنین نتایج آزمون برابری میانگین و تحلیل ممیز تفکیکی مربوط به باورهای سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین نشان داد که این متغیر می‌تواند به صورت معناداری مشکل‌های رفتاری بیرونی را پیش‌بینی کند. در راستای این یافته، پیشینه پژوهشی مستقیمی یافت نشد اما پژوهشگرانی مانند (ژو و دیگران، ۲۰۱۷) نشان دادند که حساسیت مادران

زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین را مورد هدف قرار دهند.

منابع

امان‌الهی، ع.، زربخش، م. و رجبی، غ. (۱۳۹۷). پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر اساس متغیرهای تعارضات زناشویی، باورهای خودکارآمدی والدین، سرمایه‌گذاری عاطفی اجتماعی والدین و رفتارهای کودک‌پروری والدین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.

ثنایی‌ذاکر، ب. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت. سیف‌نراقی، م. (۱۳۹۵). اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان و روش‌های

اصلاح و ترمیم آنها (تجدید نظر اول). تهران: ارسباران

فانحی‌دهاقانی، ا. ع. و یوسفی، ف. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای پایداری روانی در رابطه بین شیوه‌های والدگری و تبلور وجودی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۴ (۵۴)، ۱۲۰-۱۰۷.

لوف، ه.، شکری، ا. و قنبری، س. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات بیرونی‌سازی و برونی‌سازی شده دختران. *روان‌شناسی و خانواده*، ۱ (۲)، ۱۸-۳.

میرزایی، م.، هاشمی گشنیگانی، ر.، پاکدامن، ش. و حجازی‌موغاری، ا. (۱۳۹۶). پیش‌بینی نشانه‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی در نوجوانان بر اساس ادراک محتوا و فرایند خانواده. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۴ (۵۴)، ۲۱۴-۲۰۳.

مروتی، ذ. (۱۳۹۰). رابطه علی محیط یادگیری سازنده‌گرایی ادراک شده و عملکرد ریاضی با میانجی‌گری جهت‌گیری درونی هدف، ارزش تکلیف، نگرش نسبت به ریاضی و خودکارآمدی ریاضی در دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستانی شهر اهواز. پایان‌نامه دکتری تخصصی روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Bradley, R. H., & Caldwell, B. M. (1995). Caregiving and the regulation of child growth and development: Describing proximal aspects of caregiving systems. *Developmental Review*, 15(1), 38-85.

Brislin, R. W. (1986). Research instruments. *Field methods in cross-cultural research*, 8, 137-164.

Cadray, L. (2007). Family Investments in Children's Potential. *Journal of the Motherhood Initiative for Research and Community Involvement*, 9(1), 244-245.

با کودک، بیان عواطف نسبت به کودک، حساسیت نسبت به نیازهای کودک و پاسخگویی به آن نیازهاست. بنابراین می‌توان گفت کیفیت سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی والدین می‌تواند نقش مؤثری در کاهش یا افزایش مشکل‌های فرزندان داشته باشد، چرا که والدینی که نتوانند از ارتباط با فرزند خود لذت ببرند و به او عشق بورزند، حساسیتی نسبت به نیازهای کودک نداشته باشند و کودک و نقش والدینی خود را نپذیرند، فضای تربیتی مناسبی را برای فرزند خود ایجاد نمی‌کنند. این فضا به خوبی شرایط بالقوه برای تربیت یک کودک با مشکل‌های رفتاری را ایجاد می‌کند. برخی کودکان ممکن است برای برآورده شدن نیازها یا گرفتن توجه لازم دست به رفتارهای بیرونی مانند پرخاشگری و قلدری بزنند.

در مورد محدودیت‌های پژوهش باید گفت که کودکان حاضر در پژوهش، تنها در گستره سنی ۶ تا ۱۲ سال قرار داشتند، بنابراین تعمیم نتایج به کودکان سنین دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین باید این نکته را در نظر داشت که عوامل دیگری نیز وجود دارند که در پیش‌بینی مشکل‌های رفتاری نقش دارند که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است، مانند وضعیت معیشتی، موقعیت اجتماعی و... بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این متغیرها نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه وظایف و شیوه سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی پدران و مادران نسبت به کودک متفاوت است، این احتمال وجود دارد که کمبود سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی در یکی از والدین نسبت به کودک، ارتباط کمتری با مشکل‌های رفتاری کودک داشته باشد تا والد دیگر، و همین‌طور این احتمال وجود دارد که میزان ارتباط تعارض‌های زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی با مشکل‌های رفتاری در فرزندان دختر و پسر متفاوت باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آتی نقش پیش‌بینی‌کنندگی تعارض زناشویی و سرمایه‌گذاری عاطفی-اجتماعی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان، طیف‌های سنی دیگر کودکان و همین‌طور نوجوانان را نیز مورد بررسی قرار دهند، همچنین پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌شناسان، به منظور بهبود و درمان مشکل‌های رفتاری بیرونی کودکان یا پیشگیری از این موضوع، تعارض‌های

- Li, X., Zhou, Q., & Hou, K. (2015). Marital Conflict of Chinese American Immigrant Couples: A Mediator of Socioeconomic Incorporation and Children's Behavioral Problems. *Journal of Child and Family Studies, 24*(12), 3816-3826.
- Lycett, K., Sciberras, E., Mensah, F. K., & Hiscock, H. (2015). Behavioral sleep problems and internalizing and externalizing comorbidities in children with attention-deficit/hyperactivity disorder. *European Child & Adolescent Psychiatry, 24*(1), 31-40.
- Maccoby, E. E. (2002). Parenting effects: Issues and controversies. Retrieved August 5, 2002 from <http://www.psycnet.apa.org/record/200/-05103-003>.
- Maccoby, E. (2002). Parenting effects: Issues and controversies. In J. G. Borkowski, L. S. Ramey, & M. Bristol-Power (Eds.), *Parenting and the child's world: Influences on academic, intellectual and social-emotional development* (pp. 35-46). New Jersey, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Madigan, S., Plamondon, A., & Jenkins, J. M. (2017). Marital conflict trajectories and associations with children's disruptive behavior. *Journal of Marriage and Family, 79*(2), 437-450.
- Meunier, J. C., & Roskam, I. (2009). Validation of the preschool and primary school form of a questionnaire assessing parents' childrearing behavior. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology, 38*(1), 166-175.
- Morin, A. L., Miller, S. J., Smith, J. R., & Johnson, K. E. (2016). Reliability and Validity of the Child and Adolescent Behavior Assessment (CABA): A Brief Structured Scale. *Child Psychiatry & Human Development, 9*(3), 1-14.
- Nasehi, A., Raeesi, F., Jafari, M., & Rahmani, M. (2005). The level of marital adjustment in dormitory students. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 10*(1), 116-121.
- Simó-Pinatella, D., Font-Roura, J., Planella-Morató, J., McGill, P., Alomar-Kurz, E., & Giné, C. (2013). Types of motivating operations in interventions with problem behavior: A systematic review. *Behavior Modification, 37*(1), 3-38.
- Steele, H., Bate, J., Steele, M., Dube, S. R., Danskin, Corwyn, R. F., & Bradley, R. H. (2002). Stability of maternal socioemotional investment in young children. *Parenting, 2*(1), 27-46.
- Cox, M. J., Paley, B., & Harter, K. (2001). *Interparental conflict and parent child relationship*. In J. Grych & F. Fincham (Eds.), *child development and Interparental conflict* (pp. 249-272). New York: Cambridge University press.
- Cox, M. J., & Paley, B. (2003). Understanding families as systems. *Current Directions in Psychological Science, 12*(5), 193-196.
- Eitle, D. (2006). Parental gender, single-parent families, and delinquency: Exploring the moderating influence of race/ethnicity. *Social Science Research, 35*(3), 727-748.
- Ellis, B. J., & Garber, J. (2000). Psychosocial antecedents of variation in girls' pubertal timing: maternal depression, stepfather presence, and marital and family stress. *Child Development, 71*(2), 485-501.
- Field, T., McCabe, P. M., Schneiderman, N., & Field, T. M. (2013). *Stress and coping*. Psychology press.
- Franklin, C., Moore, K., & Hopson, L. (2008). Effectiveness of solution-focused brief therapy in a school setting. *Children & Schools, 30*(1), 15-26.
- Gameiro, S., Canavarro, M. C., Boivin, J., Moura-Ramos, M., Soares, I., & Santos, T. A. (2011). Parental investment in couples who conceived spontaneously or with assisted reproductive techniques. *Human Reproduction, 26*(5), 1128-1137.
- Hertwig, R., Davis, J. N., & Sulloway, F. J. (2002). Parental investment: how an equity motive can produce inequality. *Psychological Bulletin, 128*(5), 728-745.
- Karreman, A., de Haas, S., van Tuijl, C., van Aken, M. A., & Deković, M. (2010). Relations among temperament, parenting and problem behavior in young children. *Infant Behavior and Development, 33*(1), 39-49.
- Kelly, J. B. (2012). Risk and protective factors associated with child adolescent adjustment following separation and divorce. *Parenting Plan Evaluations: Applied Research for the Family Court, 8*(2), 49-84.

- parental sense of competence mediate processes?. *Journal of Family Psychology*, 31(4), 420.
- Whiteside-Mansell, L., Bradley, R. H., & Rakow, E. (2001). Similarities and differences in parental investment for mothers and fathers. *Journal of Family Issues*, 22(1), 63-83.
- Zhou, N., Cao, H., & Leerkes, E. M. (2017). Interparental conflict and infants' behavior problems: The mediating role of maternal sensitivity. *Journal of Family Psychology*, 31(4), 464-474.
- K., Knafo, H., & Murphy, A. (2016). Adverse childhood experiences, poverty, and parenting stress. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 48(1), 32-38.
- Thijs, P. E., van Dijk, I. K., Stoof, R., & Notten, N. (2015). Adolescent problem behavior: The gender gap in European perspective. *European Journal of Criminology*, 12(5), 598-615.
- Van Eldik, W. M., Prinzie, P., Deković, M., & De Haan, A. D. (2017). Longitudinal associations between marital stress and externalizing behavior: Does